



# راوی من

یاران دیروز و سروران امروز، از من خواسته‌اند تا از خود بنویسم. واقعیت امر این است که من و مایی که از خویش جدا افتاده‌ایم و کیش خود را گم کرده‌ایم، چه پیشکشی برای ارباب معرفت، منزلت و مودت، داشته باشیم؟

آن که جدا ماند از ریشه خویش، لاجرم به بیشه غریب پرتاب می‌شود و به زکام مدام عزلت دچار می‌گردد و تاب و توشه‌اش را به عظمت عزرائیل می‌سپارد.

از خود نوشتن، شاید برای برخی عیش تمام باشد و شهد تبختر و تفاخر در کامشان بریزد؛ اما برای منی که متاعی برای تفاخر و مفادی برای تبختر ندارم، جز کاهش عرض و ملال جان نیست.

باین وجود، از باب امتثال امر عزیزان، معروض می‌دارم اینکه یک سال است به دلیل برخی مشکلات صحتی از قلم و قدم بازمانده‌ام. البته سه، چهار پروژه پژوهشی و مطالعاتی داشتم و دارم که بی‌کفاره داخل پوشه‌ها مانده‌اند.

از جمله کارهایی که مراحل نهایی مطالعات میدانی، اسنادی و تألیفی‌اش انجام شده است، «پژوهشی در شناخت تحولات نهادی جامعه روحانیت هزاره» است که متفاوت و تازه در این وادی پرخوف و رجا خواهد بود؛ زیرا نقد و بررسی جامعه‌شناختی نهاد روحانیت که به‌عنوان تأثیرگذارترین نهاد در حوزه فرهنگی، ذهنی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی هزاره‌ها و شیعیان، به‌شمار می‌آید، به دلیل ماهیت،

پیچیدگی و مخاطرات و بسامدهایش، کار سهل و ممتنعی است.

باین وجود، بررسی نقش، پایگاه، ویژگی‌های ساختاری-طبقاتی، الگوهای رفتاری-هنجاری و کارکردها و آثار مثبت و منفی این قشر در متن زندگی اجتماعی می‌تواند حوزه مطالعاتی-پژوهشی دل‌چسبی را برای پژوهشگران عرصه فرهنگی-اجتماعی، دانش‌جویان و علاقه‌مندان حوزه تاریخ و سیاست رقم بزند.

کار دیگری که چند سال وقت در بر گرفته است، پروژه‌ای است به نام «زنان و دگرذیبی الگوهای اجتماعی-فرهنگی» که با حمایت «اتحادیه نویسندگان و مترجمین نروژ» آماده چاپ است. این پژوهش شامل بررسی جایگاه حقوقی، شأن انسانی زنان در فرهنگ اجتماعی-مذهبی، نقش سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی در تعامل با زنان، نگاه دین و سیاست و ادبیات به موجود زن و نیز تغییرات سیاسی و اساسی پدیدآمده در نیم قرن پسین در گستره زندگی و سرنوشت زنان است.

یکی دیگر از کارهای که در مراحل نهایی قرار دارد، پژوهشی است به نام «بنیاد دولت مدرن و مؤلفه‌های عبور از مرحله قومی». این پژوهش به بررسی ساختار و ماهیت فرهنگ قبیله‌ای و تأثیر آن بر روند انجماد سیاسی و مؤلفه‌های اساسی دولت مدرن و نسبت آن با الگوهای رفتار قومی می‌پردازد که در نهایت جنبش و جهش جوانان و پیش‌زمینه‌های عبور از مرحله قومی را به سنجش می‌گیرد.

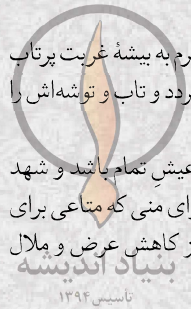
از جمله کارهای دمدست، کاری است با عنوان «تأملات روشنگری و روشنفکری افغانی» که عبارت است از مجموعه گفتاری در نقد و سنجش مدرنیسم، اندیشه‌ورزی سیاسی، سنت روشنفکری و تحزب تبار بنیاد و سایر مقولات مرتبط با نوسازی فرهنگی و دگرگونی سیاسی در افغانستان.

تا آنجا که به یاد دارم، در عمر فرهنگی خود آدم سهل‌انگاری نبوده‌ام؛ اما گذشت زمان و مشغله‌های ذهنی بی‌حساب زمانه، کم‌کار و بی‌بارم ساخته است. حقیقت آن است که عمری را در راه آرمان، قلم و قدم زده‌ام؛ اما در نهایت از متاع خویشتن خویش بی‌بهره مانده‌ام.

البته لازم به یادآوری است که با گروهی از بزرگان و خوبان در حال ساماندهی یک کار بزرگ پژوهشی که اگر عمر و توفیق یاری کند، با تکیه بر یاری خدا و اتکا و اعتماد به توان پژوهشگران متعهد و سخت‌کوشمان، این کار برکات شگرفی برای نسل و عصر جدید ما به ارمغان خواهد آورد.

خوب است که در آخر این «خودگویی» از وجه دیگر زندگی‌ام نیز بنویسم؛ آن اینکه سال‌هاست به نگارگری مصروفم. سه تابلوی زیبا و نفیس در زندگی‌ام نقاشی کرده‌ام که عزیزترین آثار من هستند و آرامش جان و سرمایه جهانم شده‌اند. اسم این سه تابلو را گذاشته‌ام: «سارا»، «فاطمه» و «غزل».

حمزه واعظی



تاسیسی ۱۳۹۴